

## صنایع دولتی و آینده آن

صنایع دولتی که اینک در آستانه رفرم تشکیلاتی قرار گرفته است هیچگاه نمیتواند به گذشته نامیمون خود ببالد ، قانون تشکیل شرکت واحد دولتی که تصویب پرهیجان ملی به آن رنگی پایدار و درخشان داده است میتواند این صنایع را از منجلا ب فساد و بوروکراسی و ر کود بیرون کشیده در شریان و عروق آن خون پاک و سالمی بگردش در آورد .

از شهریور ۲۰ ب بعد که این واحدها پابای تغییرات اجتماعی کشور ما مدیریت تازه ای پیدا کرد تا این تاریخ که شکل جدیدی بخود میگیرد همواره دستخوش ناپایداری ، هرج و مرج و بی نقشه گی بوده است ، در سیر بجانب کمال گذشته ای ساکت چون گورستان متروک و در تلاش بقاء هیجانی نامعقول چون جنبش دیوانگان داشته است .

عواملی که منعکس کننده وضع نابسامان این صنایع بوده اند در عدم مراعات چند اصل اساسی خلاصه شده و بهترین عامل ، ضعف مدیریت در این دستگاه ها بوده است .

بندوبستهای دسته هائی که پس از شهریور ۲۰ بوجود آمدند و تشنه قبضه کردن زمام امور بودند ، در این زمینه نیز موجب شد که افراد ناصالح ، تازه کار و بی تجربه و بی اطلاع بر مسند این صنایع بناحق بنشینند و واحدهای صنعتی دولتی رانه براه پیشرفت و ترقی بلکه در مسیر ارضای تمایلات دارو دسته خود هدایت کنند . کسانی که برای مدیریت انتخاب میشدند اکثرانه فقط تخصصی در فن

اداره واحدهای صنعتی نداشتند و از احتیاجات و الزامات این واحدها بدور بودند بلکه اساساً فاقدشم لازم و احساس صحیح بودند، طبیعی است که چنین عوامل ناشایسته و بی‌خبر و اثری همکاران خود را نیز از عناصر ابن‌الوقت و متملق و بی‌اطلاع انتخاب میکردند و عناصر مطلع و شریف و لایق دست‌همکاری این عده را نفشرده کناره گرفته و عاطل و باطل میماندند.

گردانندگان صنایع دولتی که بر اثر اتخاذ روش‌های نادرست هر چند گاه باورشکستگی واحدهای تولیدی روبرو میگرددیدند. برای دفع نابسامانیها دست‌بدامن تغییرات پی‌درپی درارگانسیم تشکیلات میزدند.

بدینجهت بود که این واحدها زمانی زیر نظر وزارت پیشه و هنر، بنگاه امورصنعتی و زمان دیگر بانک صنعتی و سپس سازمان برنامه و بالاخره وزارت صنایع قرار میگرفتند و در هر تغییری، کارخانجات که باید سرگرم توسعه تولیدات خود باشند ماهها دچار بلا تکلیفی و رکود شده و اوقات گرانبها را به ارزیابی و تهیه تراز میکنند.

در روش کارخانجات نیز اگر احیاناً افراد مطلع قرار میگرفتند قادر به انجام کار مثبتی نبودند زیرا بوروکراسی حاکم آنچنان امور را در تاروپود مقررات خشک و بی‌ثمر اداری قرار داده بود که هیچگاه تهیه مواد اولیه و معرفی ضروری واحدها متناسب با ظرفیت تولید آنها میسر نمیشد.

طبعاً وقتی هیئتهای مدیره از تهیه مواد اولیه مناسب عاجز بودند مسئله اساسی مدرنیزه کردن صنعت که برای بقای يك صنعت و امکان رقابت با صنایع خصوصی و واردات از خارج قطعی و ضروری است به طاق نسیان برده میشود.

اکثر کارخانجات حتی فاقد قطعات یدکی لازم بودند چه رسد باینکه در فکر نو کردن کارخانه و رفع نواقص آن باشند.

در کشورهای خارجی، پاپای تحولاتی که در صنعت ماشین‌سازی حادث میشود، صاحبان کارخانها نهایت کوشش را بکار میبرند که بطور منظم و سیستماتیک همه ساله از آخرین اختراعات و ابتکارات فنی استفاده کرده قطعات فرسوده یا قدیمی



رانو کنند و از این راه سطح تولید را بالا برده امکان رقابت و حیات را در دسترس واحد خود قرار دهند .

متأسفانه باید گفت بیشتر صنایعی که در دوره سلطنت اعلیحضرت فقید بوجود آمد. نه تنها بعدها مدرنیزه نشد بلکه بر اثر عدم لیاقت گردانندگان صنایع تدریجاً به آهن پاره‌هایی مبدل گردید که در مقام مقایسه با دستگاههای مدرن مشابه وضع اسف بار ماشین دودی شهرری را با ترن سریع السیر داشت .

مدیرانی که در راس نشسته بودند از فرود آمدن خود از مسند ریاست بیش از فروریختن اساس صنایع بیم داشتند و آنچه خاطر آنانرا بخود معطوف میداشت حفظ منافع و مزایای شخصی بود نه آینده صنایعی که مالیات پیرزنان و طبقات محروم و ستمدیده موجود آن بود .

در چنین اوضاع و احوالی که صنایع دولتی کشور از دست مشتی مغرض و سودجویابی کفایت و وجیه‌المله رنج میبرد و یاس و سستی ، کارشناسان و مهندسی و کارمندان دلسوز را تا گلو در اعماق تاریک خود فرو برده بود، قانون تأسیس شرکت واحد روزه امید ی بوجود آورد .

راه آینده ، راهی دشوار و صعب‌العبور است ولی بمدد اراده هر کوهی قابل شکافتن است و هر مانعی محکوم بزوال میباشد .

در این وادی سرگردانی و کور و جهل هنوز برای خود نمائی عقل و خرد و تابش شعاع جنبش و پیشرفت محلی باقیست، مدیریت آزموده و صالح ، انتخاب افراد شجاع ، مثبت و صدیق ، طرد عناصر بند و بست چپی و بیکاره و ناصالح ، پاره کردن قیود بوروکراسی و مقررات اداری که دشمن پیشرفت است میتواند در کالبد این واحدهای صنعتی روح تازه ای بدمد .

اگر از کارخانهای دولتی رفع نقص بعمل آید ، اگر بمسئولینی که بکار گمارده خواهند شد اختیار کافی در حل و فصل مشکلات کار خود و اراده معقول و صحیح بهره برداری داده شود ، اگر مانند يك بازرگان مواد اولیه و مصرفی این کارخانها تهیه گردد و اگر سازمان آگاه و لایقی برای فروش محصولات آنها

پی‌ریزی شود ، در این صورت افق درخشان و امیدوار کننده‌ای در روبرو خواهیم داشت  
خوشبختانه تصویب قانون اصلاحات ارضی که با تشکیل شرکت‌های تعاونی  
روستائی و تقویت مداوم آنها ملازمه دارد شانسهای زیادی در اختیار صنایع دولتی  
قرار داده است .

اگر سازمان را بسط یا رابطه مستقیم و فعالی بین شرکت‌های تعاونی روستائی  
که فروشنده مواد خام زراعتی هستند و کارخانهای دولتی که خریدار این مواد خام  
و تولید کننده مایحتاج توده‌های وسیع میباشند برقرار گردد . نیمی از مشکلات  
شرکت‌های تعاونی و کارخانجات دولتی حل شده است .

شرکت‌های تعاونی نیز بجای اسیر شدن در دست سوداگران منفعت جوو  
طماع قسمت مهمی از مایحتاج خود را از واحدهائی دریافت خواهند داشت که نه تنها  
در فکر استثمار آنها نیست بلکه برای جلب نفع بیشتر هیچگاه دست بکار تقلب  
و تزویر نخواهد زد .

هر چند تا تاریخ تحریر این مقال هنوز اساسنامه شرکت واحد منتشر  
نگردیده و نمیتوان در جزئیات وارد گفتگو شد ولی يك اصل مسلم است که جبر زمان  
ما را ناگزیر میسازد که روشهای ناپسند گذشته را بدور بیفکنیم .

برای اجرای اصلاحات ارضی و ایجاد تحول عمیق در کشور که سهم  
معتبرتری از آن بستگی به دوام و قوام شرکت‌های تعاونی دارد از جمیع جهات  
کوشش کنیم .

بطور قطع اداره موفقانه صنایع دولتی نیز نه تنها کمک بزرگی به  
شرکت‌های تعاونی روستائی و پیشرفت روستاها و صنایع کشور خواهد بود بلکه  
اربابان پیشین روستاها را نیز امیدوار خواهد ساخت که به خرید سهام و سرمایه  
گزاری در صنایع پاب پای همه مردم مین ما قدم به مرحله تازه‌ای از تحول و پیشرفت  
بگذارند .